

جدول قابل اطمینان ترتیب نزول سوره‌ها

-----عبدالکریم بهجت پور*- محمد سلطانی**

چکیده

۱۰۱

قرآن پژوهی

سال اول / شماره ۴ / بهار ۱۴۰۱

مطابق قرائن قطعی، نزول تدریجی سوره‌های قرآن کریم بدیهی است. شناخت ترتیب نزول سوره‌ها در کشف مراد خدای متعال تأثیر دارد. همواره نقش آیات قرآن و قرائن پیوسته یا ناپیوسته فرهنگی و اجتماعی در کشف مرادهای جدی خداوند مورد تأکید بوده است. این مهم، بیشتر در قالب تفکیک میان سوره‌های مکی و مدنی و تشخیص آیات استثنایی ظهور می‌کرد؛ اما مفسرانی نیز به ترتیب نزول سوره‌ها توجه داشته‌اند. روایاتی نیز در باب شناخت ترتیب نزول سوره به ثبت رسیده و تکیه اصلی غالب مفسران و دانشمندان علوم قرآن بر این احادیث و گزارش‌ها بوده است؛ اما بیشتر شرق‌شناسان و تعدادی از مفسران مسلمان بر اجتهاد تکیه کرده و ملاک‌های قابل تأملی در این باره بیان کرده‌اند. این مقاله در صدد تقویت راه مفسران مسلمان و ارزیابی اجمالی دیدگاه شرق‌شناسان نسبت به ایشان است. روش پژوهش این مقاله، توصیفی و تحلیلی و بر پایه اجتهاد در منابع روایی و تاریخی بوده که منتج به تهیه جدول قابل اطمینان از مسیر اصالت‌دادن به روایات و گزارشات تاریخی و به‌گزینی از میان آنها شده است؛ بدین صورت که پس از گردآوری تمام جداول و با اعمال روش‌های حدیث‌شناسانه و پیدانمودن جداول صحیح‌السند و تأمل در سیاق فضای نزول سوره و محتوای آنها، می‌توان بنای اطمینان‌بخشی از ترتیب نزول سوره‌ها را به‌دست آورد و دیدگاه مفسران مسلمان را تقویت کرد.

واژگان کلیدی: ترتیب نزول سوره‌ها، تفسیر تزیلی، تفسیر قرآن، جدول ترتیب نزول سوره، نزول تدریجی، نزول قرآن.

* دانشیار گروه قرآن‌پرومی پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران؛
(abp114@yahoo.com).

** طلبه سطح چهار رشته تفسیر حوزه علمیه قم، قم، ایران، «نویسنده مسئول»؛
(hamgambavahy@yahoo.com).

مقدمه

نزول تدریجی قرآن در طول بیست و سه سال رسالت پیامبر ﷺ، امری بدیهی است که از طریق آثار، اخبار و مطالعات درونی قرآن قابل اثبات است. خدای متعال با عنایت به مصلحت و اراده اش در تغییر و تحول همه جانبه مردم (اسراء: ۱۰۶ / ابراهیم: ۱) و تثبیت و آرامش بخشی به قلب پیامبر ﷺ به عنوان رسول و مصلح مردم (فرقان: ۳۲)، آیات و سوره های قرآن را به تدریج بر قلب پیامبر ﷺ نازل کرد و ایشان به همان گونه بر مردم خولند. اقتضای این گونه خولندن، آن بود که سوره ها و آیات به همان ترتیب بر مردم خوانده شوند تا اثر لازم تربیتی و تحولی را داشته باشد (قیامت: ۱۶-۱۹ / بهجت پور، ۱۳۹۳، ص ۲، ص ۹۸-۱۰۰ / بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۴۹-۵۶).

۱۰۲

قرآن پژوهی

عبدالکریم بهجت پور - محمد سلطانی

ترتیب چینش سُور در مصحف رسمی با چشم پوشی از اینکه آیا به دستور پیامبر ﷺ بوده یا صحابه، برابر با ترتیب طبیعی نزول سوره های قرآن نیست. از دیرباز شناخت ترتیب نزول سوره های قرآن راهی برای کشف مراد خدای متعال و فهم قرآن بود و تأثیر غیر قابل انکاری در عملیات تفسیر داشت و مستمراً نقش آیات قرآن و قرائن پیوسته یا ناپیوسته فرهنگی و اجتماعی در کشف مرادهای جدی خدای متعال مورد تأکید بود (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۴۹-۶۶)؛ از این رو ترتیب نزول سور، با هدف شناخت بخشی از تاریخ قرآن، مورد اهتمام مسلمانان و در ادامه آن در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله نزول قرآن، مورد توجه مستشرقان بوده است. این مهم بیشتر در قالب تفکیک میان سوره های مکی و مدنی و تشخیص آیات استثنایی ظهور می کرد. سال های متمادی بحث از مکی و مدنی بودن سوره ها و آیات مورد گفتگوی مسلمانان بود. اما مفسران و دانشمندان علوم قرآنی نیز به ترتیب نزول سوره های قرآن توجه داشتند. روایاتی در باب شناخت ترتیب نزول سوره ها به ثبت رسیده که می تواند چراغ راهی برای امروز ما باشد. تکیه اصلی غالب مفسران و دانشمندان علوم قرآن بر نقل ها و روایات (گزارشات) تاریخی و بررسی آنها بوده است، اما غالب شرق شناسان و تعدادی از مفسران مسلمان بر اجتهاد تکیه کرده، و ملاک هایی قابل تأمل در این باره بیان کرده اند.

امروزه برای دستیابی به جدول ترتیب نزول سوره های قرآن بر دوش دستاورد نقلی و روایی باقیمانده از مسلمانان، می توان بنای اطمینان بخشی را بنا نهاد؛ بنایی که مستشرقان و علاقه مندان به تاریخ گذاری قرآن از مسلمانان، زیربنای آن را کج نهاده و به سمت معیارهایی غیر اطمینان بخش رفتند.

در این تحقیق با واکاوی پیشینه توجه به ترتیب نزول سوره‌های قرآن، و واکاوی شاخص‌های مسلمانان و شرق‌شناسان در کشف جدول ترتیب نزول سوره‌ها، به چگونگی رسیدن به جدول معتبر می‌پردازیم. این مقاله در صدد تقویت راه مفسران مسلمانان و ارزیابی اجمالی دیدگاه شرق‌شناسان از ایشان است. روش مطالعه توصیفی و تحلیلی بر پایه اجتهاد در منابع روایی و تاریخی است. به نظر می‌رسد تهیه جدول قابل اطمینان از مسیر اصالت‌دادن به روایات و با اعمال روش‌های حدیث‌شناسانه در دسترس باشد.

الف. پیشینه توجه به ترتیب نزول سوره‌های قرآن

۱۰۳

قرآن پژوهی

جدول قابل اطمینان ترتیب نزول سوره‌ها

پیشینه نگاه تنزیلی به قرآن و جداول ترتیب نزول، قدمتی به قدمت نزول قرآن دارد و چنانچه آیات قرآن گواهند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنبال هر واحد نزول از آیات یا سوره‌ها، آن را بر مردم قرائت، و به تفسیر و تبیین آن می‌پرداخت (قیامت: ۱۶-۱۹) بر اساس گواهی‌های قابل توجه، از ویژگی‌های مصحف علی رضی الله عنه آن است که در آن، علاوه بر ترتیب نزول سوره‌ها و آیات، شامل اطلاعاتی در مورد زمان و مکان نزول آیات و روابط عام و خاص و مطلق و مقید (ناسخ و منسوخ) آیات نیز بوده است (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۴۲). به عبارتی شیوه اولیه تعلیم قرآن توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و اولین تألیف و تدوین مصحف و نیز تفسیر معصومان رضی الله عنهم به وسیله علی رضی الله عنه، به ترتیب نزول سوره‌ها و آیات بود. پس از آن به دست آوردن جدول قابل اعتمادی از ترتیب نزول سوره‌ها دغدغه بسیاری از اندیشمندان مسلمان در طول تاریخ بوده است. با منع کتابت در صد سالی که خلفا حاکم بودند، کمی نگارش و گزارش این موضوع کم‌رنگ شد؛ اما از همان آغاز در برخی تفاسیر و کتب علوم قرآن، محققان به مناسبت توضیح سوره‌های مکی و مدنی و بحث از مدنی یا مکی بودن سوره‌های خاصی مثل «هل اتی»، به بحث از ترتیب نزول سوره‌ها می‌پرداختند و از طریق روایات، به دنبال دستیابی به جدول ترتیب نزول بودند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۳-۶۱۲/زرکشی، ۱۹۷۵م، ج ۱، ص ۱۸۷-۲۰۵/سیوطی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴-۶۹/معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۲/زرقانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۰۲-۱۹۲).

گرچه در قرآن به صورت مستقیم از مکی یا مدنی بودن آیات یا سوره‌ها سخنی به میان نیامده، اما مفسران تلاش می‌کردند تا از هم‌آوایی آیات و سوره‌ها با وضعیت و مقتضیات محیط مکه و مدینه و مضامین و چگونگی ساختار آنها، مؤیداتی بر مکی و یا مدنی بودن سوره‌ها به دست آورند.

مثلاً آیات ۹۴ تا ۹۵ سوره حجر که دستور جداسازی گروه مؤمنین و اعلام هویت آنها در جامعه مشرک است، شاهدی بر مکی بودن سوره و آیات ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره توبه که درباره مسجد ضرار است، موید مدنی بودن آن شمرده می‌شد. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بر تقسیم قرآن به مکی و مدنی تصریح شده و ایشان قرآن را نازل شده در سه مکان مکه، مدینه و شام دانستند (طبرانی، ۱۹۸۵م، ج ۸، ص ۱۷۱/ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۶۵). برخی از صحابه هم مانند ابی بن کعب و عبدالله بن عباس و گروهی از تابعان مثل مجاهد بن جبیر و عکرمه، به تفصیل سوره‌های مکی و مدنی را برشمرده و جدولی از ترتیب نزول سوره‌ها ارائه داده‌اند. در روایات متعددی شاهد توجه به مکی و مدنی بودن سُور و کاربرد آن در فهم مراد آیات هستیم؛ به‌عنوان نمونه در روایتی از امام باقر علیه السلام، وقتی ابوحنیفه خطاب به آن حضرت، آیات ۲۹ تا ۳۲ سوره معارج را ناظر به تحریم متعه دانست، ایشان علیه السلام در پاسخ او فرمودند که سوره معارج مکی و آیه متعه (نساء: ۲۴) مدنی است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۴۵۰/ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۴۰) و علاوه بر مشخص نمودن مکی و مدنی دو سوره، روشن کردند که آیه‌ای از سوره مکی نمی‌تواند ناسخ سوره مدنی باشد.

پس از عصر تابعان رفته‌رفته کتاب‌هایی درباره مکی و مدنی بودن آیات و سوره‌ها نگاشته شد؛ چنانچه آثاری را با نام «نزول القرآن» به ضحاک (م ۱۰۴ق)، عکرمه (م ۱۰۵ق) و حسن بصری (م ۱۱۰ق) نسبت داده‌اند و پس از ایشان تا سده حاضر نیز این مهم ادامه داشته و در کنار آن در برخی تفاسیر نیز این مهم در مقدمات ورود به سوره‌ها تذکر داده می‌شود. عمده‌ترین مطالعات صورت‌گرفته از سوی متقدمان درباره مکی و مدنی، در سه حوزه دسته‌بندی می‌شود:

- بازگویی و گزارش سخنان صحابه و تابعان؛
 - کوشش برای زدودن ناسازگاری بین روایات مربوط به این باب؛
 - گسترش معیارهای قیاسی در سامان‌دهی آیات مکی و مدنی.
- پژوهشگران معاصر بیشتر به رابطه مدلول آیات با واقعیت‌های تاریخی در دو دوره مکی و مدنی توجه کرده‌اند. آیات استثنایی نیز در دوران متأخر با دیده تردید نگریسته شده و مفسران و دانشمندان تفسیر و علوم قرآن، با همین نگاه به دفاع از همگونی آیات یک سوره به لحاظ مکی یا مدنی بودن پرداخته‌اند (شاکر، ۱۳۸۱، ص ۱۶۶).
- برخی از دانشمندان تاریخ، علوم قرآن و تفسیر از میان مسلمانان، با بررسی اسناد و گزارشات

تاریخی و روایات نقلی رسیده در ترتیب نزول سوره‌ها و براساس ارزیابی و ترجیح میان اسناد روایی به انتخاب جدول معتبری از میان گزارشات رسیده، اقدام کردند (زرکشی، ۱۹۷۵م/سیوطی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴-۶۹/معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۲).

در جستجوی مطلب می‌توان اولین اثر تاریخی موجود که به گزارش ترتیب نزول سوره‌های قرآن به صورت کامل پرداخته را در اواخر قرن اول یافت، آنجا که زهری (۵۰-۱۲۳ق) در تنزیل القرآن، ترتیبی از سوره‌های قرآن را ارائه داد که بدون سند است، اما جز در سوره‌های حمد، همزه و قمر، هماهنگ با ترتیب منتخب پس از تحقیق است. پس از او یعقوبی در تاریخ خود، به این موضوع توجه کرد. او در بیان تاریخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه، با سند خود از ابوصالح از ابن عباس، به شمارش سوره‌های مکی در بحث از پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه می‌پردازد و در چند صفحه بعد، در ورود به حوادث مدینه، سُور مدنی را ذکر می‌کند. در این روایت، یعقوبی سوره مطففین را سوره‌ای مدنی می‌داند (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۳۳ و ۴۳). نزدیک به همین زمان، دو روایت مسند از عطای خراسانی از ابن عباس در کتاب فضائل القرآن ابن ضریس در بابی مخصوص به ترتیب نزول سوره‌ها به دست ما رسیده است (ابن ضریس، ۱۴۰۸ق، ص ۳۳). در سال ۴۲۵ قمری، صاحب کتاب «المبانی لنظم المعانی»، حامد بن احمد بسطام، (فرشچیان، ۱۳۷۸، ص ۱۹) سه سند مسند از عکرمه از ابن عباس، عطا از ابن عباس و سعید بن مسیب از علی علیه السلام را گزارش کرد (جفری، ۱۹۵۴م، ص ۸-۱۶). در ادامه ابن ندیم (م ۴۳۸ق) در الفهرست، گزارشی از ترتیب نزول سوره‌ها را ذکر کرد که چهار سوره اول آن را از زهری به نقل از محمد بن نعمان بن بشیر، بقیه سُور مکی را از طریق مجاهد و سُور مدنی را از طریق ابن حریج از عطا از ابن عباس نقل کرد. (ابن ندیم، ۱۴۲۶ق، ص ۲۸-۳۰) در همین زمان بیهقی (۳۸۴-۴۵۸ق)، در کتاب «دلایل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة»، جدولی از طریق عکرمه و حسن بصری بیان داشت و پس از آن بیان داشت که سندی از مجاهد از ابن عباس نیز نزد من موجود است که افتادگی‌های سند اول را ندارد و شاهدهی هم بر این سند در تفسیر مقاتل و غیر آن از اهل تفسیر وجود دارد. (بیهقی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۱۴۲). پس از آن، حاکم حسکانی (زنده تا ۴۷۰ق)، در کتاب «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل» اسنادی را گزارش نموده، اما چون در صدد اثبات مدنی بودن سوره انسان بوده، تنها ترتیب این سوره و چند سوره قبل از آن را گزارش کرده و محققان را از دسترسی به جدولی کامل محروم نموده است. این گزارش از آن جهت اهمیت دارد که مؤلف کتاب در رجال و حدیث متخصص است و از دیگر سو،

۱۰۵
قرآن پژوهی

محققى منصف است و با وجود حنفى بودن، کتاب را در دفاع از حضرت على عليه السلام و اهل بيت عليهم السلام نگاشته و اين روايات را به جهت رد ادعاى بعضى نواصب در مكى بودن سوره انسان آورده و به جهت اثبات اتفاق و اجماع در مدنى بودن اين سوره، نه سند را ذکر و به عنوان محققى حديث شناس غير متعصب، آنها را تلقى به قبول مى نمايد (حسکانى، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۱۳-۴۱۷).

در قرن ششم طبرسى (م ۵۴۸ق) در تفسير مجمع البيان ذيل تفسير سوره دهر (طبرسى، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۳ - ۶۱۲) در اثبات مدنى بودن اين سوره و نزول آيات ابتدای اين سوره، درباره بيمارى امام حسن و حسين عليهما السلام و نذر خانواده اهل بيت عليهم السلام، از ميان چهار سندی که در اختيار داشته، فقط روايت عمرو بن هارون از عثمان، از عطا از ابن عباس را نقل و اشاره مى کند که سندهاى ديگرى از استادش احمد زاهد در کتاب «الايضاح» از ابن عباس به طريق عطا و نيز دو سند از عكرمه و ابى الحسن و نيز سندی از مسيب از على عليه السلام در اختيار دارد، اما متأسفانه آنها را نقل نكرده است. هم زمان با اين تأليف، عبدالكريم شهرستانى (م ۵۴۸ق) در تفسير خود، (شهرستانى، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۶) به ذكر پنج روايت ترتيب نزول از مقاتل عن رجاله، مقاتل از على عليه السلام، ابن عباس، ابن واقد و امام صادق عليه السلام مى پردازد. البته شهرستانى سند خود را به اين روايات ذكر نكرده، اما تصريح کرده كه آنها را از ثقات اخذ کرده است. در قرن هفتم، سيد رضى الدين على بن طاووس الحلى (م ۶۶۴ق) در تفسيرش علاوه بر بيان ترتيب سوره ها به اختلاف نظر مفسران در آيات استثنايى توجه كرد (ابن طاووس حلى، ۱۳۷۹، ۲۸۷-۲۹۶) در قرن هشتم علاء الدين على بغدادى مشهور به خازن (۶۷۸-۷۴۱ق) به جدول سوره ها و اختلافى كه در جاىگاه آنهاست، توجه كرد (بغدادى، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۱۱-۱۰) و جدولى تركيبى و منتخب از ترتيب نزول سوره ها ارائه نمود. گرچه اين جدول بدون سند مى باشد، اما وى در تأكيد بر درستي جدول خود چنين نگاشته است كه: «هذا ترتيب ما نزل من القرآن بمكة فذلك ثلاث و ثمانون سوره على ما استقرت عليه الروايات الثقات». پس از او زرکشى (م ۷۹۷ق) نيز علاوه بر توضيح اصطلاح مكي و مدنى، گزارشاتى از ترتيب نزول سوره ها و اختلاف در اين مورد ارائه داد و از آيات استثنائى مكي در سوره مدنى و بالعكس سخن گفت. او ترتيبى به نظر اجتهادى بر اساس بررسى منابع موجود در نزدش كه بسيار نزديك به ترتيب ارائه شده در تفسير خازن است، ارائه داد و بر اعتبار آن چنين گواهى داد: «استقرت عليه الروايات الثقات» (زرکشى، ۱۹۷۵م، ج ۱، ص ۱۸۷-۲۰۵). در قرن نهم فيروزآبادى (م ۸۱۷ق) ترتيب مذکور در كتاب «المباني و ترتيب نزول» نيشابورى را نقل كرد (فيروزآبادى،

۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۹۷-۹۹). جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ق) در ضمن بحث مفصلی دربارهٔ مکی و مدنی و وجه نام‌گذاری سوره‌ها به این دو نام، به ذکر اقوال گروهی از دانشمندان و روایات رسیده دربارهٔ ترتیب نزول سوره‌ها و سوره‌های مورد اختلاف و نیز آیات استثنایی پرداخت (سیوطی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴-۶۹). او در نقل جداول ابتدا جدول منقول در کتاب «دلایل النبوة» را نقل و پس از ذکر جداولی ناقص، به ترتیب نزول ارائه‌شده در «فضائل القرآن» ابن‌ضریس از عطا از ابن‌عباس می‌پردازد. همو در سند دیگری (همان، ص ۷۷ و ۷۸) به نقل از جابر بن زید، جدول ذکرشده در «مجمع البیان» و مشهور علما را با اختلافاتی اندک ذکر می‌کند. قسطلانی (م ۹۲۳ق) نیز به همین موضوع علاقه نشان داد و جداول ترتیب نزول را موافق نظر سیوطی ثبت کرد (قسطلانی، ۱۹۷۲م، ص ۲۶).

۱۰۷

فقران پژوهی

پس از آن در کتب بسیاری بحث از ترتیب نزول سوره‌ها یا توجه به آن وجود دارد که برخی از آنها به ترتیب یادشده در روایات کتب قبل، به‌ویژه روایت عطا از ابن‌عباس که مذکور در «مجمع البیان» طبرسی است، اعتماد کرده و آن را مبنا قرار داده‌اند. قاسمی (م ۱۳۳۲ق) در تفسیر خود ترتیب نزول سوره‌ها را بر اساسی حکیمانه ارزیابی کرده و معتقد است سوره‌های مکی به مباحثی پرداخت که نقش مقدمه در مباحث مدنی را داشت (قاسمی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۵۰). محمد عبده و رشید رضا (م ۱۳۵۴ق) در تفسیر خود به تفاوت محتوایی سوره‌های مکی با سوره‌های مدنی اشاره کردند و در آغاز هر سوره به اتفاق یا اختلاف مفسران در مکی یا مدنی بودن سوره اشاره نمودند (عبده و رشیدرضا، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲-۳۳ و ۱۰۵). زنجانی (م ۱۳۶۰ق) در علوم قرآن خود مباحث ارزشمند و منابع مفیدی را دربارهٔ ترتیب نزول سوره‌ها به نقل از شرق‌شناسان آورد و به روایات اسلامی دربارهٔ ترتیب نزول سوره‌ها در مصحف امیرمؤمنان و امام صادق علیه‌السلام و دیگر صحابه مفسر پرداخت (زنجانی، ۱۴۰۴ق، ۴۷-۵۷). زرقانی نیز به موضوع مکی و مدنی سوره‌ها توجه نمود و به مناسبت به تفاوت محتوای این دو دسته توجه داد و خواص و ویژگی هر کدام را شرح کرد (زرقانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۹۲-۲۰۲). شعرانی (م ۱۳۹۳ق) در مقدمه‌ای که بر تفسیر «منهج الصادقین» نگاشت، به بررسی موضوع عدم ترتیب قرآن بر اساس ترتیب نزول آیات و سُور پرداخت و راه کشف سیر نزول سوره‌ها و آیات را تاریخ دانست (کاشانی، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۱۷). شیخ محمد احمد ابوزهره (م ۱۳۹۴ق) تقسیم سوره‌ها به مکی و مدنی، تفاوت محتوای سوره‌های مکی از مدنی و جدول ترتیب نزول را موافق با نظر قرطبی در تفسیر «الجامع لاحکام القرآن» آورد

(ابوزهرة، ۱۳۷۰، ص ۲۴-۲۶). وی توضیح داد که آیات و سُور به دنبال فرصت‌ها و نیازها نازل می‌شد و در همان حال، آیات و سُور مجموعه‌ای پیوسته و یکدست می‌باشند (همان ۷-۹). علامه طباطبائی ضمن بیان برخی روایات ترتیب نزول سوره‌های مکی و مدنی و تأکید بر تأثیر مهمی که دانستن مکی و مدنی بر مباحث مربوط به دعوت نبوی و سیر روحی، سیاسی و مدنی آن حضرت دارد، این روایات را خالی از ضعف ندانسته و برای شناخت صحیح مکی و مدنی بر تدبر در سیاق آیات و قرائن و امارات داخلی و خارجی تأکید می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۳۳). وی در جای دیگر به این موضوع اشاره و در مورد کیفیت نزول آیات و سُور و اقسام آیات و سُور قرآن به بحث می‌پردازد (طباطبائی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۱-۱۵۴). محمد خضری به مناسبت بحث درباره تشریح در زندگی رسول خدا ﷺ در حوزه کتاب و سنت به دسته‌بندی سوره‌ها و ممیزات سوره‌های مکی از مدنی و ویژگی‌های تشریحی این دو دوره می‌پردازد (خضری، ۱۹۸۳، ص ۷-۱۹). محمد علی الاشبقر نیز با توجه به ویژگی سوره‌های مکی و مدنی، سیر نزول آیات را همگام با سیر حوادث و تطورات جریان رسالت ارزیابی می‌کند (اشبقر، ۱۴۰۸ق، ۱۱۱-۱۱۹). صبحی صالح (م ۱۴۰۷ق) مباحث مختلف مربوط به مکی و مدنی سوره‌ها، آیات استثنائی، و ویژگی‌های سُور مکی و مدنی و مباحث شرق‌شناسان درباره ترتیب نزول قرآن و نقد آنها را به‌طور مشروح توضیح می‌دهد (صالح، ۱۳۸۵، ص ۱۶۷-۱۸۶). عبدالکریم الخطیب نیز در ذیل آیه ۱۰۱ سوره نحل معنای تبدیل آیه‌ای به جای آیه دیگر «وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ» را جابه‌جایی آیات در سوره‌ها دانسته است به‌گونه‌ای که ترتیب آن برخلاف ترتیب نزول باشد و نیز بر تناسب سوره‌ها در ترتیب مصحفی هرچند یکی مکی و دیگری مدنی باشد، تأکید می‌کند (خطیب، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۶۳-۳۶۸/ج ۱۱، ص ۶۳۱-۶۴۴) علامه معرفت (م ۱۴۲۷ق) به بحث درباره سوره‌های مکی و مدنی، ترتیب نزول، سوره‌های مورد اختلاف، آیات استثنائی، جدول صحیح ترتیب نزول سوره‌ها، بحث در توقیفیت و عدم توقیفیت ترتیب سوره‌ها و آیات پرداخت و به اعتبار جدول ابن‌عباس و شاگرد وی جابر بن زید نظر می‌دهد. (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۳). وی در جای دیگر فوائد اطلاع بر ترتیب نزول سوره‌ها و جایگاه آیات را پذیرفته است (معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۱۹). ابراهیم ابیاری گزارش کاملی از ترتیب نزول سوره‌ها داده و درباره ترتیب چینش آیات در سوره‌ها به داوری پرداخته است (ابیاری، ۱۹۷۴م، ج ۱، ص ۳۲۶-۳۴۰). میرمحمدی نیز به موضوع ترتیب نزول سوره‌ها، فولد علم به مکی و مدنی، آیات و سُور استثنائی و دلالتی بر عدم صحّت وجود آیات استثنائی به

گسترده‌گی مورد ادعای برخی از دانشمندان علوم قرآن پرداخت (میر محمدی، ۱۹۸۰م، ص ۳۲۵-۳۳۹). قرشی و ابن‌عاشور در تفسیر خود در ابتدای هر سوره به ذکر جایگاه نزولی سوره پرداختند (قرشی، ۱۳۷۵ و ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ابتدای سوره‌ها). تفسیر خسروی و زبده التفاسیر در ذیل سوره انسان به سندهای ذکر شده در مجمع البیان اشاره نموده‌اند (خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۴۴۷-۴۴۹/کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۷، ص ۲۷۶-۲۷۸) و اشکوری به ذکر جدول ترتیب نزول سُور از «مجمع البیان» توجه داده است (اشکوری، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۸-۱۰). در آثار دیگری از تفسیر و علوم قرآن و تاریخ در سده اخیر نیز پیگیری شده که از حوصله این مقاله خارج است.

موضوع ترتیب نزول سوره‌ها، بدون توجه به اهمیت سیر نزول سُور که بعد از حذف مصحف امام علی علیه السلام اتفاق افتاد، به جهت عدم نیاز به آن، فقط در حد ذکر آن به عنوان مطلبی تاریخی یا علمی و گاهی استفاده در اثبات برخی مباحث ناسخ و منسوخ یا معارف‌لندکی از آیات قرآن، پیگیری شد. حتی در عصر جدید، تعدادی از مفسران با الگوگیری از امام علی علیه السلام مبادرت به تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول سُور نمودند. این مهم به دست «ملا حویش آل غازی» در روز چهارشنبه اول رجب سال ۱۳۵۵ قمری شروع شد و در ۱۲ جزء در سه جلد با عنوان «بیان المعانی» در سال ۱۳۹۸ قمری به چاپ رسید. بعد از ایشان نیز مفسرانی از شیعه و سنی به این امر مبادرت کردند. همچون «دروزه» تفسیر الحدیث را بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ قمری در بیروت به زیور طبع آراست. «معارج التفکر و دقائق التدبر تفسیر تدبری للقرآن الکریم بحسب النزول» از عبدالرحمن حسن حبنکه و «فهم القرآن الحکیم؛ التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول» از محمد عابد الجابری و «پایه پای وحی» تفسیر تدبری قرآن بر حسب نزول از مرحوم بازرگان نیز از این زمره هستند.

در این بین با ورود مستشرقان به مباحث مطالعات انتقادی قرآن با عنوان تاریخ قرآن، زمینه برای بررسی ترتیب نزول سوره‌ها در آن وادی فراهم شد. ایشان با هدف تعیین زمان نزول هر قطعه از وحی قرآنی، به کرونولوژی (تاریخ‌گذاری) آیات و سُور قرآن، دست زدند. شرق‌شناسان بعد از نفی روایات ترتیب نزول، بر پایه ملاک‌های سه‌گانه: نکته‌های تاریخی موجود در سوره‌ها، تطور شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله، و تفاوت سبک آیات و سُور (نولدکه، ۲۰۰۰م، ص ۲۷۷-۲۷۸/رژی بلاشر، ۱۳۷۴، ۲۹-۳۱، به نقل از دانشنامه قرآن‌شناسی، مقاله تاریخ گذاری قرآن)، به اجتهاد تکیه

کرده و در باب ترتیب نزول سوره‌ها اظهار نظر کردند. ایشان با کنارگذاشتن این روایات و با توجه به معیارهای ذکر شده در بالا، کار خود را در خلأ، بدون یک زیرساخت اطمینان‌بخش و با کنارگذاشتن و مردودشمردن بیشتر روایات تاریخی ترتیب نزول، آغاز کردند و در نهایت نیز ترتیب‌هایی گاهی با تناقض بالا ارائه دادند (نولدکه، ۲۰۰۰ م، ص ۲۴۹-۲۵۶ / بلاشر، ۱۳۷۴، ص ۲۹-۳۱ / اسکندرلو، ۱۳۸۷، ص ۲۸-۲۹) برخی مسلمانان نیز با تأثیرپذیری از ایشان، راه این گروه را در تعیین رتبه نزول سوره‌ها پیروی کردند (بازرگان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۳)؛ اما آنچه مسلمانان به انجام رساندند، بسیار متفاوت بود. ده‌ها تن از دانشمندان تاریخ، علوم قرآن و تفسیر از میان مسلمانان، با بررسی اسناد و گزارشات تاریخی و روایات نقلی رسیده در ترتیب نزول سوره‌ها و بر اساس ارزیابی و ترجیح میان اسناد روایی، ابتدا با توجه به این زیرساخت، به انتخاب جدول معتبری از میان گزارشات رسیده از طریق اجتهادی، اقدام کردند (زرکشی، ۱۹۷۵ م / سیوطی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۴-۶۹ / معرفت، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۲).

در بیست سال اخیر، استاد بهجت پور که مقاله حاضر، برآمده از حاصل تحقیق نگارنده در کنار ایشان و تلمذ نزد ایشان است، رویکرد و سبک دیگری از بحث با نام «تفسیر تنزیلی» را مطرح نمودند. این امر با هجمه بسیاری از محققان قرآنی در آغاز راه مواجه شد و به آرامی در جلسات متعدد نقد و مناظره، مقصود ایشان از بازگشت به قرآن به شیوه تنزیلی روشن شد. ایشان در آغاز با بسنده کردن به جدول اجتهادی برآمده از نص (روایات ابن عباس) که متخذ از مرحوم معرفت بود، کار را آغاز کردند (بهجت پور، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۶-۷۸) و سپس در ویراست دوم جلد اول تفسیر همگام با وحی با توجه به هجمه‌هایی که به این سبک شد، در این فاصله شروع به گردآوری تمام روایات ترتیب نزول و نشان دادن فاصله خود با مستشرقان و بازرگان و تاریخ‌گذاران و نزدیکی به فضای سنتی تفسیر در حوزه علمیه و فواید این نگاه در حوزه روشی و محتوایی تفسیر نمودند. بدین جهت تلاش در خور توجهی مبذول شد و در پایان‌نامه ارشد نگارنده مقاله و نیز مقدمه تفسیر همگام با وحی، نوزده جدول به تفصیل بررسی شد (بهجت پور، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۹۱-۱۲۹) و در کتاب دیگر ایشان، مبانی، اصول و قواعد کشف جداول به بحث گذاشته شد (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۲۰۳-۱۶۲ و ۳۴۶-۳۰۱).

ب. ارزیابی اجمالی تاریخ‌گذاری شرق‌شناسان و بازرگان

بسیاری از شرق‌شناسان تلاش کردند تا بر اساس مطالعات و تحقیقات خود، سوره‌ها و حتی آیات قرآن را بر اساس ترتیب تاریخی مرتب کنند. این کوشش گسترده به نیمه‌های دوم قرن نوزدهم و با کتاب «نقد تاریخی قرآن» تألیف گوستاو وایل در سال ۱۸۴۴ میلادی شروع شد و پس از او تنودور نولدکه در «تاریخ قرآن»، هارویک هرشفلد در «ترکیب و تفسیر»، ویلیام مویر در «کتاب قرآن: ترکیب و تعالیم آن»، ریچارد بل در کتاب دو جلدی با نام «قرآن و تفسیری بر قرآن» که پس از او در سال ۱۹۹۱ میلادی منتشر شد، هیوبرت گریم در کتاب «محمد» و ده‌ها خاورشناس دیگر نظیر آلوئیس اشپرنگر، درنبرگ، رژی بلاشر و... به این موضوع علاقه نشان دادند. هرچند برخی از ایشان مثل ریچارد بل هیچ نظام تاریخ‌مندی از سوره‌ها بیان نکرد و جمع تمام قرآن را دارای سه مرحله آیات، قرآن و کتاب دانست، اما دیگر شرق‌شناسان، نظام‌های تاریخ‌یابی گوناگونی درباره سوره‌ها ارائه دادند (Bowering, 2006, 1/322) مویر و هرشفلد نظامی شش طبقه‌ای را در تاریخ‌گذاری سوره‌ها پیشنهاد کرده و برخی چون گریم، نظامی سه مرحله‌ای عرضه نمودند و در این بین نظامی که بیشترین مقبولیت و شهرت را در بین عمده خاورشناسان (همچون گوستاو وایل، نولدکه، بلاشر، رودولف، و درنبرگ) احراز کرد، طبقه‌بندی چهار مرحله‌ای ویل در مقدمه تاریخی - انتقادی بر قرآن بود که سوره‌ها را واجد نظامی چهار مرحله‌ای می‌دانست که توسط دیگران نیز پذیرفته شد اما در همین چهار مرحله هم با هم اختلافاتی داشتند (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۱۶۶ - ۱۸۰). بیشتر این طبقه‌بندی‌ها هم بر محور شخصیت پیامبر ﷺ استوار بود و یکی از هدف‌های آن، پیوند سیر نزول با تحول درونی شخصیت و سیره سیاسی پیامبر ﷺ بود (Bowering, 1/323). این مراحل معمولاً در بردارنده مبعث تا هجرت به حبشه (۱ تا ۵ بعثت)، از آن تاریخ تا بازگشت پیامبر ﷺ به طائف (۵ تا ۱۰ بعثت)، از تاریخ یادشده تا هجرت آن حضرت به مدینه (۱۰ تا ۱۳ بعثت) و از هجرت تا وفات ایشان (۱ تا ۱۰ هجرت) است که در مجموع سه مرحله مکی و یک مرحله مدنی را شامل می‌شد و بر اساس سه معیار، قرآن را اساس کار خود قرار داده‌اند که عبارت‌اند از: اشاره‌ها یا تصریحات قرآن به حوادث زمانمند، سبک سوره‌ها، و مضامین آنها.

تلقی ایشان آن بود که متن قرآن به تنهایی می‌تواند راهنمای اطمینان‌بخشی برای طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری قرآن باشد، و لذا سیر دگرگونی سبک و مضامین سوره‌ها را در خود قرآن پیگیری می‌کردند و نتیجه را به اخبار تاریخی مورد تایید قرآن پیوست می‌کردند تا به ترتیب طبقه‌بندی و

تاریخ‌گذاری متن قرآن دست یابند. (بلاشر، ۱۳۷۴، ص ۲۷۷-۲۸۱) و برای هر یک از دوره‌ها، ویژگی‌هایی را ذکر می‌کردند (بلاشر، همان، ص ۲۷۵ - ۲۸۷ / رامیار، ۱۳۶۹، ۶۱۹، ۶۲۴، ۶۶۵، ۶۶۷ / صالح، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵-۱۷۸ / خلیفه، ۱۴۱۴ق، ص ۱۰۷، ۱۱۰، ۳۷۱-۳۷۴ / نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۲-۲۳ و بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴-۱۷۹).

اندیشمندان در نقد دیدگاه‌های مستشرقان در تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن بر این باورند که طبقه‌بندی‌های ایشان بر مبنای سبک و ظاهر آیه‌ها و سوره‌ها صورت گرفته و این‌گونه نشانه‌ها نه جامع است و نه مانع و هیچ دلیلی بر وجود سوره‌های دارای سبک یکسان، مرتبط با دوره خاص نیست. ملاک کوتاهی و بلندی آیات و سوره‌ها نیز ذوقی است و ملازمه‌ای بین کوتاهی آیات و اعتقادی بودن آنها با مکی بودن سوره یا اختصاص داشتن به مرحله اول دیده نمی‌شود (زنجانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۷-۱۱۶ / نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۲-۲۳). برخی نیز با دسته‌بندی اشکالات، به اشکالات روش‌شناختی و محتوایی این پژوهش‌ها پرداخته‌اند (بهجت پور، ۱۳۸۰، ۱۸۰-۱۹۲).

مهم‌ترین اشکالات روش‌شناختی از نظر ایشان عبارت‌اند از:

- نداشتن منطق علمی در طرح طبقات و تنوع آنها؛
- معیار قراردادن تاریخ نزول سُور در نگاه غالب ایشان، چرا که این بحث دچار فقر شدید منابع و مستندات است؛
- تعیین طبقه سُور را همگامی با رشد و ویژگی‌های متنوع شخصیت دینی پیامبر ﷺ دانسته‌اند که این منطق از جهات متعددی دارای اشکال است؛ از جمله: در ورای این سخن ادعای نقش مستقیم آن حضرت در تولید متن قرآن نهفته است. در حالی که طبقه‌بندی قرآن باید همگام با رسالت و نقشی که در مخاطب دارد، تعیین شود و چون هدف قرآن تربیت مخاطبان و تقویت یا تغییر باورهای آنها و اصلاح رفتار آنهاست، هدف از نزول تدریجی، پیگیری چنین امری است. بله! در مسیر اصلاح و تربیت و بناگذاری جامعه دینی، انواع چالش‌ها پدید آمد، که به آن در راستای هدف اصلی قرآن پرداخته شد.

ج. شیوه دستیابی به جدول معتبر ترتیب نزول

آرزوی هر متبع قرآن پژوه دستیابی هرچه بیشتر به زمان، مکان و دیگر ویژگی‌های نزول آیات و

سور از منابع معتبر و قطعی و در عباراتی نص یا ظاهر می‌باشد؛ ویژگی‌هایی که در کلام مفسران بزرگی همچون امام علی علیه السلام، علم به آن، از افتخاراتشان شمرده شده (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۴۲) و نشان‌دهنده اهمیت و تأثیر این اطلاعات، در عملیات کشف مرادهای خدای متعال از قرآن است. اما با توجه به ترتیب مصحف رسمی تدوین‌شده در دوره خلیفه سوم و عدم پیگیری فرایندها و روش‌های تربیتی از سوی مفسران و نیز فقدان احساس نیاز به کشف نظامات تربیتی قرآن و امثال آنها، نقل فراوان اسناد ترتیب نزول و نظم برخی آیات به حاشیه رفت و دسترسی قطعی محققان به جدول ترتیب نزول و مجموعه‌ای مسلم از آیات استثنایی با چالش مواجه شد. این مهم می‌طلبد تا سازکاری اطمینان‌بخش جهت دستیابی به واقع نزول از راه نقد و بررسی در اسناد موجود (اجتهاد پس از گردآوری روایات) طراحی شود؛ چراکه هرگونه نسبت‌های متخذ از ترتیب نزول، اعتبارشان را از همان ترتیبی دارند که سوره‌ها و آیات بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده‌اند و ترتیب‌های اجتهادی به میزان دوری از نقل و روایت، از اعتبار لازم برخوردار نیستند و بالطبع، دستاوردهای آنان قابل اعتماد نیست. بنابراین، بهترین راه، بررسی نقل‌ها و روایات اسلامی موجود در تراش دینی و تاریخی مسلمانان است و پس از آن، با توجه به مشکلات اعتبار و تعارض اقوال، نیاز به اجتهاد و نقد و بررسی در اسناد موجود است. بهترین و نزدیک‌ترین راه دستیابی به جدول معتبر، انجام مراحل زیر است:

۱. تجمیع حداکثری جدول‌ها و گزارش‌های ترتیب نزول سوره‌ها و آیات؛
 ۲. بررسی اعتبار منابع و اسناد این گزارش‌ها؛
 ۳. تجمیع نقاط مشترک در بیان ترتیب سوره‌ها و آیات و تعیین نقاط افتراق آنها؛
 ۴. به دست آوردن سیاق موجود در محتوای سوره‌هایی که مورد اتفاق جدول‌ها می‌باشند؛
 ۵. مقایسه و بررسی موارد اختلاف با توجه به سیاق، و تعیین نظر معتبر در میان آنها؛
 ۶. توجه به ترتیب‌های مختلف، هنگام تفسیر سوره (در صورتی که اختلاف نزدیک باشد).
- در زمینه کشف سیاق (بند چهارم) نیز باید:
- از اهداف و اغراض سوره‌ها اطلاع داشت تا با در نظر گرفتن هدف، که عامل انسجام مجموعه موضوعات درونی یک سوره، و کشف موضوعات الحاقی به آن سوره می‌باشد بتوان ارتباط سوره‌ها در ترتیب نزول را نمایان‌تر ساخت.

- در سوره‌های مورد اتفاق روایات معتبر، باید به کشف «اصل تحوّل» اهتمام ورزید؛ یعنی باید اساسی‌ترین موضوع تحوّل‌آفرین را که پیام محوری سوره، و مورد اهتمام خدای متعال است را جست‌وجو کرد؛ به‌گونه‌ای که با حذف آن، جایی برای طرح چالش‌ها و پاسخ به سؤالات و طرح مباحث دیگر در آن سوره و یا سوره‌های قبل یا بعد باقی نماند. در این صورت می‌توان به کشف تناسب و ارتباط صحیح سوره‌هایی که متعاقب یکدیگر نازل می‌شدند، امیدوار شد.

- گاهی به‌صورت اتفاقی تاریخ نزول برخی از سوره‌ها به دست می‌آید، که نباید به آن بسنده کرد؛ زیرا ابزار و اطلاعات موجود برای کشف تاریخ سُر بسیار محدودند و دانشمندی که با این قصد به ترتیب جداول پرداخته‌اند، ناچار از پذیرش احتمالات و سلیقه‌ها در تنظیم شده‌اند (بهجت پور، ۱۳۹۲، ۱۸۰-۱۹۲). مراد از تلاش برای رسیدن به ترتیب نزول، به‌دست‌آوردن نظام مفاهیم و کشف مهندسی آنها و روش‌های نهادینه‌سازی مفاهیم دینی در صفحه‌ی ذهن و دل و صحنه‌های زندگی مخاطبان مؤمن به قرآن در هنگام نزول است. از این راه، تلاش می‌کنیم تا به مدل نهادینه‌شدن عناصر اسلامی در زندگی مؤمنان دست یابیم؛ بله، در صورتی که سیره و گزارش‌های تاریخی معتبری در دست داشته باشیم، از آن برای شناخت مرتبه‌ی نزولی سوره‌ها و آیات بهره خواهیم برد.

توجه شود که نتیجه حاصل از این روش پیشنهادی، گرچه با روزنگار دقیق قرآنی و تفسیری گرفته‌شده از محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، متفاوت است، اما دست‌کم تلاشی امیدبخش برای نزدیک شدن به آن است.

با توجه به شیوه‌ای که گفته شد، بهترین راه اعلام نظر قطعی در مورد جدول ترتیب نزول سوره‌ها، به انجام‌رساندن یک دوره تفسیر با دقت نظر در مفاد آیات و سُور و با ملاحظه گزارش‌ها و اسناد مربوط به ترتیب نزول است و نباید در اعلام قطعی جدول ترتیب نزول سوره‌ها تعجیل نمود.

د. نتیجه جمع‌آوری جداول و اجتهاد پس از تأمل در متن روایات

با توجه به موارد بالا و مرور چندبارۀ جداول و اعمال شیوه فوق، جدول ترکیبی و قابل اعتمادی که می‌تواند در میان روایات مسند، مبنای مطالعات تطبیقی و بررسی سیاق سوره‌ها باشد از این قرار

است:

۱. علق. ۲. قلم. ۳. مزمل. ۴. مدثر. ۵. حمد. ۶. مسد. ۷. تکویر. ۸. اعلیٰ. ۹. لیل. ۱۰. فجر. ۱۱. ضحیٰ. ۱۲. انشراح. ۱۳. عصر. ۱۴. عادیات. ۱۵. کوثر. ۱۶. تکاثر. ۱۷. ماعون. ۱۸. کافرون. ۱۹. قیل. ۲۰. فلق. ۲۱. ناس. ۲۲. توحید. ۲۳. نجم. ۲۴. عبس. ۲۵. قدر. ۲۶. شمس. ۲۷. بروج. ۲۸. تین. ۲۹. قریش. ۳۰. قارعه. ۳۱. قیامت. ۳۲. همزه. ۳۳. مرسلات. ۳۴. ق. ۳۵. بلد. ۳۶. طارق. ۳۷. قمر. ۳۸. ص. ۳۹. اعراف. ۴۰. جن. ۴۱. یس. ۴۲. فرقان. ۴۳. فاطر. ۴۴. مریم. ۴۵. طه. ۴۶. واقعه. ۴۷. شعراء. ۴۸. نمل. ۴۹. قصص. ۵۰. اسراء. ۵۱. یونس. ۵۲. هود. ۵۳. یوسف. ۵۴. حجر. ۵۵. انعام. ۵۶. صافات. ۵۷. لقمان. ۵۸. سبأ. ۵۹. زمر. ۶۰. مؤمن. ۶۱. فصلت. ۶۲. شوری. ۶۳. زخرف. ۶۴. دخان. ۶۵. جائیه. ۶۶. احقاف. ۶۷. ذاریات. ۶۸. غاشیہ. ۶۹. کهف. ۷۰. نحل. ۷۱. نوح. ۷۲. ابراهیم. ۷۳. انبیاء. ۷۴. مؤمنون. ۷۵. سجده. ۷۶. طور. ۷۷. ملک. ۷۸. حلقه. ۷۹. معارج. ۸۰. نبأ. ۸۱. نازعات. ۸۲. انفطار. ۸۳. انشقاق. ۸۴. روم. ۸۵. عنکبوت. ۸۶. مطففین. ۸۷. بقره. ۸۸. انفال. ۸۹. آل عمران. ۹۰. احزاب. ۹۱. ممتحنه. ۹۲. نساء. ۹۳. زلزال. ۹۴. حلدید. ۹۵. محمد ﷺ. ۹۶. رعد. ۹۷. الرحمن. ۹۸. دهر. ۹۹. طلاق. ۱۰۰. بینه. ۱۰۱. حشر. ۱۰۲. نصر. ۱۰۳. نور. ۱۰۴. حج. ۱۰۵. منافقون. ۱۰۶. مجادله. ۱۰۷. حجرات. ۱۰۸. تحریم. ۱۰۹. جمعه. ۱۱۰. تغابن. ۱۱۱. صف. ۱۱۲. فتح. ۱۱۳. مائده. ۱۱۴. توبه.

۱۱۵
قرآن پژوهی

جدول قابل اطمینان ترتیب نزول سوره‌ها

هـ. بررسی چالش‌های پیش روی جدول اطمینان بخش

۱. دقت شود که این ترتیب با دیگر ترتیب‌های ترکیبی که از دیگر مفسران و دانشمندان علوم قرآن به دست آمده، همخوانی دارد (بغدادی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۹-۱۰/ سیوطی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۷۷-۷۸/ رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۲۲/ معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۰۴-۱۰۷). در کنار این امر، در میان اسناد جداول مسند روایات ابن عباس از طریق عطا موقت است و راویان آنها همگی از افراد قابل اعتماد و توثیق هستند (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۴). این امر گرچه تردید ما را به این روایات کم می‌کند، اما با تلاش بیشتر و توجه به جداول ترکیبی، به جهت آن است که امکان دارد به دلایل دیگری به جدول‌های گزارش شده از طریق عطا نتوان کاملاً اعتماد کرد و همچنان تردیدی در مرتبه نزولی هر سوره باقی بماند و در این صورت دستیابی به جدول ترکیبی و قابل اعتماد، از راه مقایسه میان

۱. علاقه‌مندان جهت تفصیل مطلب ر.ک: سلطانی، ۱۳۸۹، ۴۱-۴۹ و ۲۱۰-۲۳۰؛ بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۳۰۴-۳۴۸؛ بهجت پور، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۹۳-۱۲۶.

جدول‌های منقول ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. نیز دقت شود که دستیابی به دیدگاهی خارج از گزارش‌های نقل‌شده، درست نیست و انجام مطالعات ترجیحی و گزینشی درباره سوره‌های مورد اختلاف در جدول‌ها بایستی با هدف گزینش صحیح‌ترین گزارش در میان جدول‌های موجود صورت گیرد.

۲. آنچه پس از تطبیق، ترجیح و جمع‌بندی جدول‌ها به دست می‌آید، هرچند ممکن است با ترتیب واقعی نزول سُور متفاوت باشد، اما در عین حال قابل اعتمادترین راه کشف واقع است. جداول ترتیب نزول در کتب چه مسند و چه غیر مسند آن، با هم هماهنگ‌اند و تخالف و تکاذب کلی میان آنها نیست و اختلاف فاحشی نیز ندارد که دستیابی به سیاق واحد و مشترک میان سوره‌ها را ناممکن کند. مثل ما در اینجا مثل تاریخ نگاران است که با بررسی اسناد و گزارش‌های تاریخی و روایی و هماوایی و هماهنگی موجود در آنها، نگرانی‌شان را به فروع، شاخه‌ها و مصادیق محدود می‌کنند؛ در زمینه جداول ترتیب نزول نیز همین قاعده حکم‌فرما شود. افزون آنکه سیاق میان سوره‌ها که از ترتیب‌های مشترک به دست می‌آید، می‌تواند در تشخیص صحیح‌ترین دیدگاه یاری‌گر محقق باشد.

۳. برخی حضورنداشتن عده‌ای از روایان در متن رویداد نزول را (همچون خردسالی ابن عباس) با چالش روبه‌رو می‌بینند (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۴)، بر فرض پذیرش چنین مشکلی، می‌توان با ارزیابی و بررسی اسناد آن، به یک سند اعتماد نکرد و با تجمیع روایات مسند و غیر مسند و مقایسه میان آنها و نیز داوری در سیاق سوره‌های قرآن در موارد اختلاف، به جدول قابل اعتمادی رسید. گرچه به نظر می‌رسد نبودن شخصیت‌هایی چون ابن عباس در فرایند تمام سال‌های نزول قرآن، آسیبی به حساب نیاید؛ چراکه او از منظر یک کارشناس آگاه و خبره به گزارش ترتیب نزول پرداخته و همچون پژوهشگر مباحث قرآنی در پی دستیابی به ترتیب نزول سوره‌ها بوده و آن را از اصحاب پیامبر ﷺ جویا شده است، همچون لغویان که گزارش کاربرد یک واژه در زبان عربی را بدون بیان سلسله سند، گزارش می‌کنند. از نگاه دیگر شاگردی ابن عباس نزد علی رضی الله عنه و ابی بن کعب و دیگر صحابی سالخورده پیامبر ﷺ نشانه‌ای بر گزارش از ایشان است (نکونام، ۱۳۸۰، ۱۳۴ و ۱۳۵). برخی صاحب نظران نیامدن نام علی رضی الله عنه را در حدیث، به مشکلاتی چون حکومت بنی‌امیه، دشمنی آنها با علی رضی الله عنه (مزی، ۱۴۰۲ق، ج ۶، ص ۱۲۴) و نیز منع نگارش و بازگویی حدیث مرتبط دانستند که در دیگر روایات نیز چنین است (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۷۴).

۴. چالش دیگر مجهول بودن برخی افراد در سندهاست که به معنای معتبر نبودن محتوای این گزارشها نیست؛ چراکه دانشمندان علم رجال و محدثان، بیشترین همت خود را در بررسی اسناد روایات فقهی صرف کرده و چندان به روایات غیرفقهی نپرداختند تا مجهول بودن شخص، نشانه ضعف آن تلقی شود (نکونام، ۱۳۸۰، ۱۳۷). به‌ویژه که دانشمندان علوم قرآن و روایت‌شناسان به این روایان و اسناد روایات استناد جسته‌اند (شهرستانی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹-۲۸/زرکشی، ۱۹۷۵م، ج ۱، ص ۱۹۳/سیوطی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۷۷-۷۸/معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۷). برخی ایرادها و شائبه‌ها درباره افرادی چون ابوصالح محمد بن سائب کلبی و محمد بن مروان که در طرق برخی جداول منسوب به ابن عباس هستند، و از سوی رجالیون عامه تضعیف شده‌اند (ذهبی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۰/ج ۳، ص ۵۵۶/ج ۴، ص ۳۲-۳۳) شاید به جهت گرایش آنان به مکتب اهل بیت علیهم السلام باشد تا به نسبت‌هایی همچون منکر الحلیث و دروغگو (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۶۵/ج ۹، ص ۱۵۷ و ۳۸۷) متهم شوند (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۷۱-۳۷۲).

۵. چالش آیات استثنایی هم با اصل قراردادن مبنای انسجام سوره‌های قرآن و ملاک هدف و غرض سوره در انسجام‌بخشی به موضوعات گوناگون و بخش‌های الحاقی سوره، قابل حل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۱۱ و ۲۱۲). علاوه بر آنکه این آیات تعداد مشخصی هستند در چهل سوره مکی و سیزده سوره مدنی (سیوطی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۷-۵۵) که در بیشتر آنها بر گفته‌ها و استحسان‌های ضعیف و غیرقابل اعتماد تکیه شده که با بررسی و تأمل مردود شمرده شده‌اند (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۹-۲۰۳). اصل مهم توقیفی دانستن ترتیب آیات درون هر سوره است با دستور پیامبر و قاعده کلی در نزول آیات یک سوره، یکپارچگی آنهاست و چشم‌پوشی از این قاعده در موارد خاص است که مورد تذکر مفسران و دانشمندان علوم قرآنی بوده است (ابن حجر عسقلانی، بی تا، ج ۹، ص ۳۸).

و. نمونه داوری در جداول

در ادامه به بررسی سوره رعد با مدل فوق می‌پردازیم:

بر اساس هشت روایت از روایات مسند ترتیب نزول، این سوره مدنی است و در ردیف نودوششم قرار دارد. در جداول ترکیبی نیز این ردیف را برای سوره رعد بیان کرده‌اند؛ اما در پذیرش این نظر چالش‌هایی بروز کرده است. موافق برخی از روایات مسند به نقل از

ابوصالح از ابن عباس و عکرمه یا ابوصالح از ابن عباس، این سوره در ردیف هفتادوششم میان سوره سجده و طور قرار دارد؛ بنابراین مکی است. همچنین از مجموع پنج روایت غیر مسند شهرستانی در دو روایت مرسل به نقل از ابن عباس و مقاتل این سوره در شمار سوره‌های مکی است (بهجت پور، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۱۴).

از طرفی سیاق مطالب سوره سجده با سوره رعد در موارد زیادی تناسب دارد. در هر دو سوره انکار الهی بودن قرآن و کفر به حیات تازه در روز رستاخیز مطرح و در هر دو سوره از گروه مؤمن به آیات خدا در برابر ناباوران به آیات الهی سخن رفته و به احتمال عذاب دنیوی کافران در هر دو سوره تبه داده است. اشاره به اهل کتاب و سؤال کافران درباره زمان پیروزی اسلام با شکست و عذاب کافران نیز از دیگر موضوعات مشترک میان دو سوره است.

برخی برای توجیه نظر غالب درباره مدنی بودن سوره، گفته‌اند چون هنگام حضور پیامبر ﷺ در مدینه ارتباط با مشرکان قطع نشده بود و گاه سوره‌هایی مانند این سوره به مسائل مربوط به مشرکان مکی توجه می‌دهد، بنابراین، گرچه مضامین و سیاق‌ها با سوره‌های مکی هماهنگ و با ادبیات مردم مشرک مکه فروآمده، سوره‌ای مدنی است. مؤید این برداشت نقلی است که از ابن جریج و مقاتل شده که برخی از آیات این سوره در صلح حدیبیه فرو آمد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۱۸۴) و یا به نقل از ابن عطیه برخی از آیات در شأن عامر بن الطفیل و اربد بن ربیع نازل شده که هر دو در مدینه بوده‌اند (همان، ص ۱۳۳). ظاهر آنکه در برخی شرایط احتجاج با کافران و درگیری اعتقادی با ایشان چون صلح حدیبیه، یا حضور پیامبر اکرم ﷺ در مکه و به عکس حضور مشرکان مکی در مدینه، بخشی از جو مباحث سوره‌های نازل شده، به عقاید مورد اختلاف میان مؤمنان و مشرکان گره می‌خورد. موضوعاتی در توحید ربوبی، رسالت پیامبر ﷺ، رستاخیز، الهی بودن قرآن و اموری از این قبیل بود که مشرکان از پذیرش آنها سر باز می‌زدند. سوره‌هایی مدنی چون رعد و الرحمن در این شرائط فرو آمدند. احتمال می‌رود کسانی که سوره را مکی شمرده‌اند، یا به جهت خطاب سوره‌ها به ناس است که به طور عمده متوجه اهل مکه بوده و یا به دلیل نزول این سوره‌ها در شهر مکه و هنگام مسافرت حضرت رسول ﷺ از مدینه به مکه یا اطراف آن مثل حدیبیه باشد.

بنابراین هماهنگی با روایات ترتیب نزول می‌توان سوره را مدنی شمرد. اشارات بلکه شواهد در سوره نیز می‌تواند مدنی بودن آن را تقویت کند: استفاده از تعبیر «نقض میثاق» (آیه ۲۰)، تعبیر

«يَصْلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» (آیه ۲۱)، تعبیر «أَفَلَمْ يَبْسُ الَّذِينَ آمَنُوا» (آیه ۳۱) که به مؤمنان درباره عدم اراده خدا در ایمان غیر مشرکان خطاب می‌کند در سوره‌های مکی نیامده است؟ موافق آنچه در اسباب نزول آمده است، شبهه همسر و ذریه داشتن پیامبران و ازدواج پیامبر ﷺ با برخی از زنان مسلمان شده، را اهل کتاب اظهار کرده‌اند که در آیه ۳۸ به آن پاسخ داده شد. روشن است که رسول اکرم ﷺ در مکه جز خدیجه رضی الله عنها همسر نداشت و چند همسری حضرت رسول ﷺ پس از وفات خدیجه و در مدینه بود. ذریه نیز که به طور عمده نسل پس از فرزندان بلاواسطه به شمار می‌روند، از حضرت زهرا رضی الله عنها پدید آمد و این اتفاقات مربوط به مدینه است. بخشی از سوره اصولا مربوط به کافران مدینه از اهل کتاب است.

به هر حال مدنی شمردن سوره نه تنها مشکلی ایجاد نمی‌کند، بلکه این پیام را دارد که در مباحث قرآنی به مخاطبان کمال توجه شده است و مقاومت در برابر عقاید اسلامی در هر زمان و مکانی که بروز یافته باشد، مورد توجه خدای حکیم بوده و به آن پاسخ گفته شده است.

نتیجه‌گیری

بر اساس داده‌های تحقیق، نتایج ذیل قابل احصاء است:

۱. از آغاز نزول قرآن توجه به قرائن پیوسته و ناپیوسته فرهنگی و اجتماعی در کشف مرادهای جدی خدای متعال مورد تاکید بوده است و مفسران ارجمند و دانشمندان علوم قرآنی وجهه همت خود را بر تفکیک سوره‌های مکی از مدنی و تشخیص آیات استثنایی گذارده بودند و گاهی با هدف شناخت بخشی از تاریخ قرآن، به سراغ ترتیب نزول سوره‌ها هم رفته‌اند.
۲. در قرآن مستقیما از مکی یا مدنی بودن سوره قرآن سخن نگفته اما مفسران تلاش داشتند تا از هم‌آوایی آیات و سوره‌ها با وضعیت و مقتضیات محیطی مکه و مدینه و شبه جزیره در عصر نزول و مضامین و چگونگی ساختار آنها، مویداتی بر مکی و مدنی بودن سوره به دست آورند.
۳. قاطبه مفسران و دانشمندان علوم قرآنی علاقه‌مند به جدول ترتیب نزول سوره، تکیه‌شان بر نقل‌ها و روایات تاریخی بوده و با بررسی آنها سعی در کشف سیر نزول داشته‌اند نه همچون مستشرقان و معدود مسلمانانی که بر اجتهاد تکیه کرده و ملاک‌هایی قابل تأمل در این باره بیان کردند.
۴. بر اساس تراث باقیمانده از جوامع روایی و تاریخی و تفسیری در خصوص روایات ترتیب نزول و توصیف و تحلیلی اجتهادی این منابع روایی و تاریخی و انتخاب مسیر اصالت‌دادن

- به روایات و اعمال روش‌های حدیث‌شناسانه می‌توان بنای اطمینان بخشی از جدول ترتیب نزول سوره‌ها را بنا نهاد و دیدگاه مفسران مسلمان را تقویت کرد.
۵. این مهم از طریق ذیل قابل دسترسی است که در نمونه سوره نحل پیاده‌سازی شد و چالش‌های پیش روی نیز ذکر گردید:
- تجمیع حداکثری جداول و گزارش‌های ترتیب نزول سوره‌ها و آیات و بررسی اعتبار منابع و اسناد آنها؛
 - تجمیع نقاط مشترک در بیان ترتیب سوره‌ها و آیات و تعیین نقاط افتراق آنها؛
 - به دست آوردن سیاق موجود در سوره‌هایی که مورد اتفاق جداول هستند؛
 - مقایسه و بررسی موارد اختلاف با توجه به سیاق و تعیین نظر معتبر میان اقوال.
- در پایان جهت اطمینان حداکثری بایستی در هنگام تفسیر سوره به ترتیب‌های مختلف گفته شده، توجه کرد.
- از مقاله به دست آمد که توجه به اهداف و اغراض سوره‌ها، و موضوع تحول‌آفرینی که پیام محوری سوره است (اصل تحول)، و سیره‌ها گزارش‌های تاریخی معتبر موجود، بر غنای این کشف می‌افزاید. رسیدن به جدول قطعی از نزول سوره‌ها پس از نگارش یک دوره تفسیر محقق می‌شود و هم‌اکنون بایستی به جدول اطمینان‌بخش نزول بسنده کرد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، الجرح و التعديل، بيروت: داراحياء التراث العربی، ۱۳۷۱ق.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذيب التهذيب، بيروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بيروت: دارالمعرفة، بی تا.
۴. ابن ضریس، محمد بن ایوب، فضائل القرآن؛ ما انزل القرآن بمكة وما انزل بالمدينة، دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۸.
۵. ابن طاووس الحلّی، سید علی بن موسی، سعد السعود، فارس و قم: تبریزیان و الحسون، ۱۳۷۹.
۶. ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بيروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۷. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسین، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: علی شیری، بيروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۸. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تصحیح: فلوجل. ج.ک، فرانکفورت آلمان: دانشگاه فرانکفورت، معهد تاریخ العلوم العربیة و الاسلامیة، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م.
۹. ابوزهره، محمد، المعجزه الكبرى، تحقیق: محمود ذبیحی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۱۰. ابیاری، ابراهیم، الموسوعة القرآنية المیسرة، قاهره: مؤسسه سجل العرب، ۱۹۷۴.
۱۱. اسکندرلو، محمدجواد، مستشرقان و تاریخ گذاری قرآن، قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
۱۲. اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تصحیح: جلال الدین محدث، تهران: دفتر نشر داد، ۱۴۲۰ق.
۱۳. اشیقر، محمدعلی، لمحات من تاریخ القرآن، بيروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات،

۱۴. بازرگان، مهدی، سیر تحول در قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶.
۱۵. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۱۵ق.
۱۶. بغدادی الصوفی (المعروف بالخازن)، علی بن محمد، لباب التأویل، القاهرة: المكتبة التجارة، ۱۳۸۱ق.
۱۷. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه: محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۸. بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی؛ مبانی، اصول، قواعد و فوائد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۹. بهجت پور، عبدالکریم، همگام با وحی تفسیر تنزیلی، قم: سبط النبی، ۱۳۸۳.
۲۰. بهجت پور، عبدالکریم، همگام با وحی تفسیر تنزیلی، قم: تمهید، ویراست دوم، ۱۳۸۹.
۲۱. البیهقی، أبوبکر أحمد بن الحسین، دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، تحقیق: عبدالمعطی قلجی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.
۲۲. جفری، آرتور، مقدمتان فی علوم القرآن و هما مقدمة کتاب المبانی و مقدمة ابن عطیه، القاهرة: الخانچی، ۱۹۵۴م.
۲۳. حسکانی، عیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تصحیح: محمداقرا محمودی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۲۴. خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تحقیق: محمداقرا بهبودی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۰ق.
۲۵. خضری، محمد، تاریخ التشریح الاسلامی، بیروت: دارالقلم، ۱۹۸۳م.
۲۶. خطیب، عبدالکریم محمود، التفسیر القرآنی للقرآن، قاهره: دارالفکر العربی، بی تا.
۲۷. خلیفه، محمد، الاستشراق و القرآن الکریم، القاهرة: دارالاعتصام، ۱۴۱۴ق.
۲۸. دروزه، محمدهزت، التفسیر الحدیث، بیروت: دارالغرب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.

۲۹. ذهبی، محمد بن احمد، **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۳۰. رامیار، محمود، **تاریخ قرآن**، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹ ش.
۳۱. زرقانی، محمد عبدالعظیم، **مناهل العرفان فی علوم القرآن**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ ق.
۳۲. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، **البرهان فی علوم القرآن**، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، القاهره: عیسی البابی الحلبی، ۱۹۷۵ م.
۳۳. زنجانی، ابو عبدالله، **تاریخ قرآن**، تهران: منظمه اعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳۴. الزهری، ابن شهاب، **تنزیل القرآن**، تحقیق: صلاح الدین المنجد، بیروت: دارالکتب الحدیث، ۱۹۸۰ م.
۳۵. سلطانی، محمد، **روش قرآن در نهادینه سازی باور به ربوبیت در جامعه صدر اسلام**، کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۸۹.
۳۶. سیوطی، جلال الدین، **الاتقان فی علوم القرآن**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۷. شاکر، محمد کاظم، **علوم قرآنی**، قم: انتشارات دانشگاه، ۱۳۸۱ ش.
۳۸. شهرستانی، محمد عبدالکریم، **مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار**، تحقیق: محمد علی آذر شب، تهران: دفتر نشر مکتوب، ۱۳۷۶.
۳۹. صالح، صبحی، **مباحث فی علوم القرآن**، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۸۵ ق.
۴۰. طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۴۱. طباطبایی، سید محمد حسین، **قرآن در اسلام**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دهم، ۱۳۷۹.
۴۲. طبرانی، ابوالقاسم، **المعجم الصغیر**، تحقیق: محمد شکور محمود الجاج امیر، بیروت: المکتب الاسلامی، عمان: دارعمار، ۱۹۸۵ م.
۴۳. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.

۴۴. عبده، محمد، رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۴۵. فرشچیان، رضا، امام علی علیه السلام و مبانی علوم قرآنی، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۷.
۴۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، تحقیق محمدعلی النجار، قاهره: المجلس الاعلاء لشئون الاسلامیة، لجنة احیاء التراث الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۴۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تصحیح: حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران: مکتبة الصدر، ۱۴۱۵ق.
۴۸. قاسمی، محمد جمال الدین، محاسن التأویل، محمدفؤاد عبدالباقی، القاهرة: داراحیاء الكتب العربیة، ۱۳۷۶ق.
۴۹. قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۵۰. قسطلانی، احمد بن محمد، لطائف الاشارات لفنون القراءات، تحقیق: عبدالصبور شاهین و عامر السید عثمان، لبنان: مجلس اعلى للشئون الاسلامیة، ۱۹۷۲م.
۵۱. کاشانی، فتح الله، زبدة التفاسیر، تحقیق: بنیاد معارف اسلامی، قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۳ق.
۵۲. کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، مقدمه ابوالحسن شعرانی، تهران: الاسلامیة، ۱۳۴۴.
۵۳. مزی، جمال الدین یوسف، تهذیب الكمال فی اسماء الرجال، تحقیق: بشار عواد، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۲ق.
۵۴. معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، قم: موسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۰.
۵۵. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه نشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۵۶. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، ترجمه: علی خیاط، قم: موسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹.

۵۷. ملاحویش آل غازی، عبدالقاهر، بیان المعانی، دمشق: مطبعه الترقی، ۱۳۸۲ق.
۵۸. میرمحمدی، سید ابوالفضل، بحوث فی تاریخ القرآن و علومه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۸۰م.
۵۹. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۰.
۶۰. نولدکه، تیودور، تاریخ القرآن، هیلد سهایم، بی جا، دار نشر جورج المیز، ۲۰۰۰م.
۶۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.
62. Bowering, Gerhard, "Chronology and the Quran", encyclopaedia of the Quran, ed. McAuliffe, Jane Dammen, 5 vols., leiden: brill, 2001-2006.

